

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیستم
شماره ۲۳۳ مرداد ماه ۱۳۹۸ ژوئیه ۲۰۱۹

وارونه جلوه دادن حقیقت توسط دستگاه تبلیغاتی امپریالیستها در مورد "برجام"

بعد از نقض توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از طرف آمریکا، وضعیت ایران به صورتی درآمد که بدتر از وضعیت قبل از تسلیمنامه برجام است. ایران بر همه دستاوردها و حقوق مسلم خود در غنی سازی اورانیوم خط بطلان کشید و بخش بزرگی از ثروتهای ملی ایران را برباد داد تا رژیم اسلامی به هر قیمت بر سر کار بماند. امپریالیسم که این ضعف جمهوری اسلامی را درک کرده بود و می دانست آنها حاضرند به منافع ایران برای حفظ خود خیانت کنند با حقه بازی، دروغگوئی، تهدید، تحریک؛ فشار و ... حاکمیت ایران را به جایی رسانید که از همه حقوق ایران صرف نظر کرد.

آقای مورگان اورتاگوس سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا به منظور اعمال "فشار حداکثر" بر حکومت جمهوری اسلامی ایران، از جانب دولت آمریکا اعلام کرد که آنها محدودیت های تازه ای را علیه برنامه هسته ای غیرنظامی ایران وضع خواهند کرد. از ۴ ماه مه امسال دولت آمریکا هر گونه کمک برای توسعه نیروگاه اتمی بوشهر را که توسط روسیه ساخته شده مشمول مجازات های خود قرار خواهد داد و "افزون بر این، هر گونه فعالیتی برای انتقال اورانیوم غنی ... ادامه در صفحه ۲

امپریالیسم دشمن استقلال و حاکمیت ملی

"آزادی در مفهوم اساسی خود چیزی نیست مگر امکان رهایی از تنگناها و قیود طبیعت و اجتماع از سوی انسانها. این آزادی زمانی صورت عمل می پذیرد که انسان از یکسو قادر باشد طبیعت و اجتماع- و در واقع قوانین عینی و حاکم بر آن- را تا حدودی بشناسد و از سوی دیگر تمایل به تغییر در آنان و یا به عبارتی دیگر تمایل به کسب آزادی را داشته باشد. در صحنه اجتماع به دست آوردن آزادی نه تنها همانند طبیعت - همواره مبارزه پیگیر و مستمری را می طلبد، بلکه- برخلاف طبیعت- با سلب و یا تحدید آزادی بخش دیگری از اجتماع همراه است که این آزادی را از قبیل سرکوب دیگران به دست آورده اند. آزادی زن حاکمیت مرد و تمام نیروهای را که در سرکوبی زنان نینفعند تحدید و تضعیف می سازد. مبارزه ملت ها برای کسب استقلال، حیطة نفوذ و قدرت استعمارگران را تنگتر می کند. به عبارت دیگر جوامع بشری میدان مبارزه طبقات و نیروهای گوناگونی است که دارای منافع و اهداف مختلف و حتی متضادی اند و برای نیل به این منافع و کسب "آزادی" برای خویش مدام در حال مبارزه اند. مبارزه برای آزادی و سلب آزادی وسیع ترین و اساسی ترین بخش فعالیت انسانها را در تمام زمینه های موجود اجتماعی و طبیعی تشکیل می دهد. استقلال در اساس نوعی است از آزادی، آن آزادی که امکان **عدم تبعیت و فرمانبرداری** را تضمین می نماید. این استقلال برای یک کشور چیزی نیست مگر رهایی از تابعیت، نفوذ و دیکته دیگران. حاکمیت نتیجه و معلول استقلال ملی و ضامن حفظ آن است. حاکمیت عبارت از استقلال کامل یک دولت برای حل مسایل داخلی و خارجی خویش است. هرگونه دخالت، تعیین تکلیف، فشار و زور تا چه رسد به دخالت نظامی در مورد یک کشور، حاکمیت، استقلال و آزادی آن کشور را مورد تهدید قرار می دهد. حاکمیت و استقلال آن برج و بارویی است که خلق ها و ملت های جهان در درون آن قادر به ایجاد دولت، جامعه، فرهنگ و آینده خویش خواهند ... ادامه در صفحه ۳

کودکان کار قربانیان جامعه غارتگر سرمایه داری

وقت بازی ندارند، چهره های آنها غمگین است، رنگ زردی بر چهره آنها نشسته است، خستگی مفرط از سر و روی آنها می بارد، لباسهای مندرس، وصله شده بر تن دارند و زخمهای بدن آنها نمایان است، ولی جراحات دل آنها را نمی بینید. جرم آنها این است که در خانواده ای فقیر به دنیا آمده اند که دستشان به دهانشان نمی رسد. در چشم آنها دنیائی از غم و آرزو درهم تنیده شده و با دلهره از آینده، آینده ای تاریک سر بر بالش می گذارند. آنها کودکان کار هستند. کودکان کار برای رفع نیازمندیهای اولیه خانواده خویش از همه چیز محرومند و در زندان کار به حبس ابد مشغول شده اند. آنها بهترین مصالح غارتگران جهان برای تامین و تکثیر سود حداکثر آنها هستند. کودکان کار در کارگاههای استعمارگران و استثمارگران جان می دهند تا کودکان غارتگران در جهان "دموکراتیک" مجبور به کار نباشند. کار کودکان از ممالک امپریالیستی از قرون وسطی و در آغاز دوران سرمایه داری به ممالک تحت ستم صادر شده است. تعداد آنها یکی دو تا نیست. تعداد آنها بنا بر آمار نادقیق سازمان ملل متحد ۲۵۰ میلیون نفر است، یعنی بیش از سه برابر جمعیت ایران. از نیروی کار آنها در معادن طلا و الماس در آفریقا استفاده می کنند. پاره ای از آنها از زیبایی و طراوت روز بهره ای نبرده اند. بخشی در صنایع نساجی، در فرش بافی، در ساختمان سازی به کار مشغولند. کودکان کار برده های مدرن هستند و از آنها به عنوان برده استفاده می شود. سرمایه داران به این نیرو احتیاج دارند زیرا زبان اعتراض ندارد و با شدیدترین شیوه سرکوب، تحقیر و اسارت روبرو هستند. در آفریقا دسته دسته کودکان کار را زیر نظر مشاوران صاحبکار در معادن به کار می گیرند، معادنی که دولت در دولت هستند و سرمایه های خصوصی ممالک امپریالیستی ماموران نظم خود را برای کنترل این معادن به کار گرفته اند. دولتهای محلی، پلیس محلی حق دخالت در "امور داخلی" این شرکتهای خصوصی بین المللی را ندارند. اگر در اثر انفجار مین ده ها کودک کشته شوند که می شوند معترضی وجود ندارد و پلیس محلی حق مداخله در این معادن را دارا نیست.

تجار مدرن برده داری مانند دوران کشف آمریکا به دزدیدن کودکان در سراسر جهان و بویژه در آفریقا مشغولند تا این کودکان را در کشتزارهای کاکائو به کار بگیرند و نیروی کار آنها را بهمکنند. مگر نه اینست که کودکان دنیای "دموکراتیک" به شکلات علاقمند هستند و اقلیتی از آنها باید در ناز و نعمت بزرگ شوند. این شرکتهای نظیر شرکت سوئیسی "نستله" به ظاهر کار کودکان را محکوم کرده و حاضر است با توسل به "مبارزه" با این روشها به نفع خود تبلیغ کند. آنها زبانی وجدانه ای ناراحت دارند و قلبا از سودهای کلان لذت می برند. کودکان کار سربازان جبهه های جنگ نیز هستند و باید قوای ذخیره سربازان بزرگسال را تامین کنند. سربازان خردسال تصویری از خطر ندارند و حتی مرگ خود را رهایی از این زندگی سراسر مشقت تصور می کنند. سرمایه های امپریالیستی بویژه در آفریقا ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

وارونه جلوه دادن...

شده ایران به خارج در ازای دریافت اورانیوم طبیعی هدف مجازات های آمریکا قرار می گیرد. آمریکا در عین حال از جمهوری اسلامی ایران خواسته است که غنی سازی اورانیوم را متوقف کند. به دیگر سخن آمریکا قرارداد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و اینکه ایران و سایر ممالک جهان حق دارند نیروگاه اتمی داشته باشند و در حد مجاز به غنی‌سازی اورانیوم بپردازند را زیر پا می‌گذارد. این در حالی است که فرانسه برای ابوظبی و آمریکا برای عربستان سعودی در پی ساختن نیروگاه اتمی هستند.

نقض آشکار و زیرپاگذاردن برجام از جانب آمریکا عملاً این توافقنامه را یکطرفه باطل کرده است. ولی ایران مدت مدیدی نیز به فریب اروپایی‌ها دلخوش بود که شاید از امامزاده آنها معجزه‌ای برخیزد. اروپایی‌ها نیز در کنار روسیه و چین کشورهای امپریالیستی هستند و با سیاست دلداری ایران، از واکنش طبیعی ایران جلوگیری کنند و یکسال دیگر بر عمر تسلیم‌نامه وین افزودند. و حال که عمر این عوامفریبی به سر رسیده است چهره‌های واقعی خویش را به نمایش گذارده‌اند. دولت آلمان دیگر از نقض توافقنامه توسط آمریکا صحبت نمی‌کند بلکه عبارت "فسخ" را در مورد آن به‌کار می‌گیرد و این در حالی است که چنین بندی در متن توافقنامه وجود ندارد تا طرفین را مجاز بدارد با استناد به آن بند، به فسخ توافقنامه بپردازند. اقدام آمریکا غیرقانونی و ناقض تعهدات خود آنهاست. اروپایی‌ها برای اینکه از زیر اجرای تعهدات خویش شانه خالی کنند مدعی می‌شوند که شرکت‌های اروپایی از ترس تحریم‌ها و تصویفات آمریکا حاضر نیستند در ایران سرمایه‌گذاری کرده و یا با ایران به تجارت بپردازند.

آنهایتا تومز، حقوقدان در بنیاد «بیکر مکزی» معتقد است «ترس از تحریم‌های ثانویه ایالات متحده» در این میان نقش دارد و می‌افزاید که بسیاری از شرکت‌های اروپایی که می‌خواهند با ایران تجارت کنند با «موانع عملی از قبیل یافتن بانک و شرکت‌های بیمه و ترابری» روبرو هستند. «از سوی دیگر بانک‌های عمده اروپایی می‌ترسند به سبب همکاری با ایران از سوی آمریکا جریمه شوند.»

این سخنان اروپائیه‌دارای کوچکترین ارزشی نیست. زیرا چنانچه آنها قادر به اجرای توافقنامه و تعهدات خویش با ایران نیستند که نبودند، هرگز نمی‌بایستی قراردادی را امضاء می‌کردند که از پس آن بر نمی‌آمدند. این نشانه کلاهبرداری محض است. بر اساس این وعده‌های دروغ، ایران خسارت فراوانی را متحمل شده و مخازن آب سنگین خویش را با بتون پر کرده است.

از این گذشته دولت ایران با شرکتها و یا بانکهای خصوصی ممالک اروپایی توافقنامه‌ای را امضاء نکرده است تا از آنها توقع داشته باشد که به تعهمل کنند. دولتهای اروپایی طرف دیگر قرار داد با ایران هستند و موظفند مفاد آنرا عملی نمایند. چگونگی عملی کردن این مفاد به-خود آنها مربوط است و نه به دولت ایران. دولتهای اروپایی باید راهکارهایی پیدا کنند که مفاد توافقنامه عملی شود حتی اگر خودشان مجبور شوند که شرکت‌های دولتی تاسیس کرده که با آمریکا کاری نداشته و یا اینکه خسارت وارده به شرکت‌های خصوصی خویش را خود دولتها تقبل کنند.

مشکلات اروپایی‌ها به ایران مربوط نیست. تازه اروپایی‌ها برای اینکه دست پیش را گرفته باشند مدعی‌اند که ایران باید از هرگونه واکنشی که توافقنامه را "نقض" کند خودداری نماید و این در حالی است که توافقنامه‌ای دیگر وجود ندارد. نه آمریکا و نه اروپا به تعهدات خویش عمل نکرده و نمی‌کنند. آنها از ایران می‌خواهند که از حقوق خود صرف‌نظر کند و به وضعیت بدتر از گذشته باز گردد تا مجدداً شامل تحریم‌های گذشته نگردد. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نیز که عامل آنهاست در این مورد سخنی نمی‌گوید. دبیرکل سازمان ملل که باید از حقوق اعضاء خویش دفاع کند به دنباله‌روی آمریکا مشغول است.

ایران در سالگرد خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یکجانبه از سوی ایالات متحده، اعلام کرد تعهداتش را در توافق هسته‌ای به مرور کاهش خواهد داد.

ایران با اعلام این تصمیم، ۶۰ روز به طرف‌های اروپایی - بیش از مدتی که در توافقنامه ذکر شده است- فرصت داد تا زمینه فروش نفت ایران مبادلات مالی مرتبط با آن را فراهم کند و هشدار داد که در پایان این مهلت، بخش‌های دیگری از تعهدات خود در اجرای توافق هسته‌ای بر اساس متن توافقنامه متوقف خواهد کرد.

بر اساس وضعیت جدید دولت ایران با استناد به بندهای ۲۶، ۳۶ و ۳۷ برجام مجاز است که تعهدات خویش را با وضعیت جدید پدید آمده وفق دهد. به این جهت محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، اعلام کرد: "طبق آنچه بنده اطلاع پیدا کردم ایران طبق برنامه‌اش از مرز ۳۰۰ کیلو [ذخیره اورانیوم غنی شده] عبور کرده و این را قبلاً هم اعلام کرده بودیم. بر اساس آنچه اعلام شده خیلی شفاف گفته‌ایم چه کار می‌کنیم و بر اساس آن عمل می‌کنیم؛ این را از حقوق خودمان در داخل برجام می‌دانیم."

بعد از این اعلام رسمی که منطبق بر نص صریح توافقنامه است، سخنگویان امپریالیست‌های اروپایی به‌خشم آمده و با تهدید و توهین به‌مردم ایران به‌میدان آمدند.

ژان ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه نسبت به "نقض تعهدات ایران" و نه آمریکا در قبال برجام به شدت به ایران هشدار داد.

وی در تاریخ ۲۵/۰۶/۲۰۱۹ در پارلمان فرانسه در پاسخ به پرسش نمایندگان درباره اوجگیری تنش‌ها در خاورمیانه گفت: «نقض توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ یک اشتباه جدی از سوی ایران خواهد بود و واکنش و فشار شدید ایالات متحده را در پی خواهد داشت.»

وزیر امور خارجه فرانسه با اشاره به سفرها و تماس‌های دیپلماتیک بریتانیا، آلمان و فرانسه گفت: «ما کاملاً بسیج شده-ایم که به ایران بفهمانیم که چنین کاری (نقض برجام) به نفع آن‌ها نیست.»

بر پایه بیانیه رسمی کاخ الیزه، ماکرون از ایران خواست تا «بدون درنگ از تصمیم خود مبنی بر افزایش [سطح ذخیره اورانیوم] صرف‌نظر کرده و از هر گونه اقدام اضافی که مخل تعهدات هسته‌ای این کشور است، بپرهیزد».

سخنگوی دفتر نخست وزیر بریتانیا این اقدام ایران را "بی‌اندازه نگران‌کننده" خواند و گفت:

"ما دائم این را روشن کرده‌ایم که تعهد ما به برجام به تبعیت کامل ایران از مفاد این توافق بستگی دارد و ما از ایران می‌خواهیم شرایط را به حالت قبل برگرداند."

مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران خواست که همچنان به تعهدات خود در چارچوب برجام وفادار بماند.

بریتانیا اعلام کرد در صورت نقض برجام از سوی ایران از آن خارج خواهد شد. آلمان هم ایران را فراخواند گامی را که برداشته برگرداند. ظریف در پاسخ آنها نوشت: «ایران برجام را نقض نکرده و با اجرای تعهدات از سوی طرف‌های اروپایی باز خواهد گشت.»

هانت که یکی از دو نامزد نخست وزیر بریتانیاست افزود: «ما می‌خواهیم این پیمان را حفظ کنیم، زیرا نمی‌خواهیم که ایران به سلاح‌های اتمی دست یابد. اما اگر ایران توافق را نقض کند، ما نیز خود را عقب خواهیم کشید.» (همه جا تکیه از توفان).

در این تهدیدات روشن است که امپریالیست‌های اروپایی نقض برجام را از جانب آمریکا منکر می‌شوند. آنها چنین القاء می‌کنند که پیمان برجام زمانی نقض می‌شود که ایران خود را به حفظ آن متعهد نداند. چنانچه آمریکا و اروپا به تعهدات خود وفادار نمانند و به تحریم‌ها ادامه داده و حتی آنها را افزایش دهند این اقدامات تحریک آمیز نقض برجام نیست. بر بی-شرمی اروپایی‌ها حدی متصور نیست. ترامپ باید از آنها یاد بگیرد.

در بند ۲۶ برجام به‌صراحت آمده است که چنانچه در اثر ... ادامه در صفحه ۳

وارونه جلوه دادن...

بروز اختلافات و مراجعه به حکمیت و نگهداری مهلت‌های مقرر از جانب هر یک از طرفان این پیمان همگرایی و توافقی به وجود نیاید و آمریکا از ادامه تحریم‌های خویش خودداری نکند، ایران می‌تواند به توقف کلی و یا به توقف بخشی از تعهدات خویش دست زند.

"بند ۲۶ - ...

دولت ایالات متحده، در چارچوب اختیارات قانونی رئیس جمهور و کنگره، از اعمال تحریم‌های جدید مرتبط با هسته‌ای خودداری خواهد کرد. ایران اعلام کرده است که تحمیل چنین تحریم‌های جدید مرتبط با هسته‌ای را **به منزله مبنایی برای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهدات خود وفق این برجام، تلقی خواهد نمود.**"

"بند ۳۶ - ...

چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشد، و چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که

موضوع، مصداق «عدم پایبندی اساسی» می‌باشد، آنگاه آن طرف می‌تواند موضوع فیصله نیافته را به عنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده و/یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ نماید که معتقد است موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» بشمار می‌آید."

"بند ۳۷ - ...

ایران بیان داشته است که چنانچه تحریم‌ها جزنا یا کلا مجددا اعمال شوند، **ایران این امر را به منزله زمینه‌ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات خود وفق این برجام قلمداد خواهد نمود."**

تنها راهی که بعد از امضاء تسلیم‌نامه برجام در وین باقی مانده پافشاری بر اجرای همین تعهدات است. تسلیم مجددا ایران به معنای انصراف ایران از آموزش سایر فن‌آوری‌های مدرن از جمله ساختن موشک‌های بالستیک است که حق ایران می‌باشد. تسلیم در این زمینه یعنی مجاز دانستن تعیین سیاست خارجی ایران از این بعد به دست نتانیا هو، محمد بن سلمان و ترامپ و پذیرش این امر که ایران و نه وهابیسیم، صهیونیسیم و امپریالیسم مسئول تشنج و تخریب در منطقه هستند.

امپریالیسم دشمن استقلال...

بود، بدون آنکه دولتی و یا قدرتی خود و منافع خود را بر آنان تحمیل نماید. هرگونه **تحدید و سلب حاکمیت و استقلال یک کشور از سوی کشورهای دیگر به معنای سرکوب آزادی یک کشور و ملت به سود دیگران است.** تجاوز به حق حاکمیت

دیگران تحت عناوین فریبنده گوناگونی از قبیل دفاع از حقوق بشر، دموکراسی و ... به معنای آنست که گویا دیگران در تشخیص و تعیین سرنوشت خویش نه صالح‌اند و نه مجاز.

این بینش که استقلال و حاکمیت ملی را برای خویش صادق و برای دیگر باطل می‌شناسد، بخش جداناپذیر ایدئولوژی بورژوازی و امپریالیسم است. هر اندازه اقتصاد و سیاست سرمایه‌داری، ایجاد مناطق نفوذ امپریالیسم، کسب امتیازات ویژه - نظامی، سیاسی، اقتصادی- بسط و تعمیق یابد، همان اندازه نیز آزادی و استقلال کشورهای دیگر در معرض خطر جدی قرار می‌گیرند. **امپریالیسم ماهیتا متعرض و سرکوبگر است.** قدرت او در ضعف دیگران است. همچنین قدرت دیگران سدره او و همچون خاری در چشم وی است. امپریالیسم برابری و عدالت نمی‌شناسد و نمی‌پذیرد. حاکمیت سرمایه و به‌ویژه سرمایه امپریالیستی برابری و عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند. ادعای امپریالیسم‌های رنگارنگ آمریکا و اروپا مبنی بر ضرورت جنگ علیه یوگسلاوی، به‌خاطر دفاع از خلق کوزوو، دروغ و عوامفریبی کهنه و بیش‌رمانه‌ای بیش نیست.

این اولین باری نیست که امپریالیسم جهانی با حمله تجاوزگرانه خود به یک کشور دیگر گستاخانه استقلال و حاکمیت کشورهای ضعیف را به بازی گرفته است. آنچه حمله امپریالیست‌های ناتوانی را به یوگسلاوی از دیگر تجاوزات امپریالیسم متمایز می‌سازد، نه ضربه زدن و بی‌اعتبار ساختن حقوق ملل، حاکمیت و استقلال دیگران در سطح جهانی، بلکه اعلام صریح آنان به "کهنه شدن" این مفاهیم، شروع دوران جدیدی از جنگ‌های امپریالیستی برای درهم شکستن مقاومت ملت‌ها و دولت‌های "مزاحم" به منظور حفظ "نظم نوین جهانی" است. و البته همه اینها تحت لوای "دفاع از دموکراسی و حقوق بشر" است.

به عبارت دیگر امپریالیسم و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا گویا از عدم وجود دموکراسی و تعرض به حقوق بشر در کشورهای دیگر - و این کشورها انبوه بی‌شماری را تشکیل می‌دهند- چنان در عذاب افتاده است و دچار ناراحتی وجدان گشته است که ناچار شده برای حفظ این امر خطیر انسانی و اخلاقی، برای دفاع از انسانها و ملت‌ها و حقوق دموکراتیک و بشری آنان، سرانجام حقوق ملل و استقلال و حاکمیت دولت‌های آنان را قربانی کرده به‌خاک آنان حمله و تجاوز نموده و سرزمین آنان را ویران سازد.

به سخنان "ارهارد دنینگر" (E. Deninger) پروفیسور فلسفه حقوق در

دانشگاه فرانکفورت- منتشره در نشریه شماره ۱۳ شپیگل Spiegel، ۲۹ مارس ۱۹۹۹- دقت کنیم:

"این حقوق ملل (Völkerrecht) است که تعیین می‌کند، جنگ تجاوزگرانه چیست. ما اکنون شاهد آنیم که چگونه یک حقوق ملل نویی پدید می‌آید. حقوق ملل که تجاوز و دخالت انساندوستانه را مجاز می‌شمارد. در سطح جهان هم اکنون به‌صورت مدام یک تفاهم سیاسی در حال تکوین است که دولت ملی از این پس دیگر حاکم بر سرزمین و ملت خویش نیست. چنانچه یک دولت حقوق بشر را در مورد افراد خویش زیرپا نهاد، می‌بایستی با دخالت قدرتهای دیگر در این امر حساب کند. مرزها دیگر مقدس نیستند.

این تکامل مدت‌ها است که در حال تکوین است، از زمانی که مشکل گشته است تشخیص داد چه چیز امر داخلی است؛ ممنوع ساختن دخالت در امور داخلی دیگران امری کهنه شده است."

آنچه انسان را در وحله اول به وحشت می‌اندازد و گمان می‌برد که با یک وحشی جنگ طلبی روبروست که شاید از دنیای ما و تمدن آن بیزار است، آنچه در برخورد اول به انسان نهیب می‌زند، چه اراجبفی، چه مزخرفات و حرفهای پوچی که از مغز این دیوانه برخاسته؛ با کمی تعمق و دقت انسان را به فکر می‌اندازد. این "وحشی دیوانه" نه آنچنان وحشی است و نه دیوانه، حرفهای او به یک مفهوم با معنی و پرمغزاند. سخنان این پروفیسور به یک معنی آینده‌دار یک بخش از واقعیات دنیای ما هستند. آن بخشی که مربوط به رشد امپریالیسم و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا، تبدیل او به ابرقدرت درجه یک و بی-رقیب، تکامل و رشد سرمایه جهانی به‌سوی گلوبالیزه کردن جهان و درهم شکستن تمام سدهای موجود و منجمله دولت‌های ملی مزاحم و بوجود آوردن مناطق اقتصادی- سیاسی بزرگ و واحد- همانند اتحادیه اروپا- می‌شود.

تئوری "اراجحیت حقوق بشر و دموکراسی بر حقوق ملل و حاکمیت ملی" آنچنان که پروفیسور دنینگر عرضه می‌کند، تئوری امپریالیست‌ها برای سلب حاکمیت دیگران و به‌منظور کسب حاکمیت مطلق خود یعنی حاکمیت سرمایه فراملی بر سراسر جهان است. چنین درونمائی همان نظم نون جهانی" است که دفاع از دموکراسی و حقوق بشر را وثیقه و بهانه کسب قدرت جهانی و بلانترزاع هیولائی وحشتناک، سرکوبگر و به‌شدت ضد انسانی به‌نام امپریالیسم می‌سازد.

طبق این تئوری معنی حقوق ملل در آینده نزدیکی تغییر خواهد کرد. حقوق مللی نه آنچنان که ما ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، متجاوز، جاسوس، زورگو، حيله‌گر، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

امپریالیسم دشمن استقلال...

می‌شناسیم و حداقل بخش وسیعی از توده‌های مردم جهان بدان معتقدند و یا در جهت تحقق آن مبارزه می‌کنند، یعنی حقوق ملی که طبق منشور سازمان ملل بر پایه اراده ملت‌های آزاد و دول مستقل آنان بنا شده است، بلکه حقوق ملل آینده را چندین قدرت بزرگ جهان- و در حقیقت یک قدرت - تشخیص و تضمین می‌نمایند. برای حفظ آن نیز به بهترین و مدرن‌ترین وسائل موجود یعنی راکت و بمب و جنگ‌های کمپیوتری مجهزند. مطابق این تئوری و از آنجا که گویا همه چیز جهانی و گلوبالیزه شده است، مسائل داخلی هر کشوری مربوط به همه و نهایتاً مربوط به همه و نهایتاً مربوط به قدرت‌های امپریالیستی خواهند بود. چیزی به نام "امور داخلی" به نام "دولت ملی مستقل" به نام "حاکمیت ملی" و حق تعیین سرنوشت ملل، چیزی به نام مرزهای ملی که غیرقابل دستبرد و تجاوز باشند وجود نخواهد داشت. سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها را از این پس قدرت جهانی امپریالیستی رقم خواهد زد.

چنین دورنمایی نه تنها برای پرولتاریا و زحمتکشان جهان، نه تنها برای همه خلق‌ها، بلکه حتی برای بورژوازی تمام کشورهای ضعیف جهان که ناچار به اطاعت و دربروزگی از امپریالیسم تحویل استقلال و حاکمیت خویش به‌مرگه آنان‌اند، غیر قابل تحمل، وحشتناک و خطر جدی خواهد بود. بیهوده نیست که دستگاه‌های تبلیغاتی آنان سالها است که با لجن‌پاشی به‌کمونیسم و همه مخالفان امپریالیسم و با آرایش عوام‌فریبانه چهره خویش، کوشش دارند که خود را به‌عنوان ناجی بشر، مبشر آزادی و تنها دورنمای سعادت و رفاه انسانها در جهان عرضه کنند.

شکست جنبش کمونیستی، پراکندگی و نظاره‌گری کمونیست‌ها و افول جنبش ضدامپریالیستی مردم جهان چنان شرایط مساعدی را برای ترک‌تازی امپریالیسم و ارتجاع جهانی فراهم ساخته است، چنان میدان خالی شده و به‌دست آنان افتاده است که متأسفانه با تسلط روحیه تسلیم، خودگرایی، بی‌امیدی و بی‌ایمانی در میان بیشماری از مبارزان کمونیست و ضد امپریالیست و در میان توده‌های مردم، امکان این خطر وجود دارد که امپریالیست‌ها در ایجاد توهم نسبت به خویش در سطح جهانی موفقیت‌هایی موقتی به‌دست آورند. کمونیست‌های جهان و همه مبارزان راه آزادی و استقلال علیرغم پراکندگی صفوف خویش، در جهت مبارزه با این خطر و برای برانداختن نقاب ریا از چهره کریه امپریالیسم وظیفه خطیری برعهده دارند.

امپریالیسم هرگز انسان‌دوستانه، عدالت‌خواه و استقلال‌طلب نبوده و نخواهد بود. تاریخ دنیای ما، حداقل در این قرن کنونی شاهد

تجاوزات، جنگ‌ها و جنایات بیشماری است که همه به‌دست او صورت پذیرفته است. نگذاریم که ملت‌ها و دولت‌ها در دام امپریالیست‌ها افتاده به تبعیت و بردگی آنان گرفتار آیند. از گذشته بیاموزیم و نگذاریم آزموده‌ها را دوباره به‌تلخی تجربه نماییم." (نقل از نشریه "راه آینده" - تیر ماه ۱۳۷۸ شماره ۵۰).

کودکان کار قربانیان...

لشگرهای مزدور خود را دارند که مرزهای به‌رسمیت شناخته شده بین‌المللی را به‌رسمیت نمی‌شناسند. مرز آنها را قدرت آنها تعیین می‌کند این است که جنگ‌های داخلی در کنگو و نظایر آن تمامی ندارد. کودکان کار، این سربازان خردسال، ارتش مزدوران، ارتش ذخیره آنها هستند. تجارت برده‌داری از کودکان کار، سودهای کلان نصیب این "بشردوستان" خونخوار می‌نماید که در تجلیل از خود، مطبوعات خود فروخته را به خدمت می‌گیرند.

کودکان کار مستمر مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند و قادر به حفاظت از خود نیستند، هیولای تجاوز جنسی هر شب در خوابگاه‌های دستجمعی آنها را از پاشنه در می‌آورد. آنها هدف جرح و ضرب‌اند و با بدن‌های کبود بر سر کار می‌روند و زندگی آنها در تباهی و فقر، در دلهره و تسلیم سرنوشت شدن می‌گذرد. نیمی از این کودکان کار، دختر هستند. کودکان کار را در توزیع مواد مخدر به‌کار می‌گیرند و بسیاری از آنها نیز معتاد می‌شوند. اعتیاد آنها محصول فقر و سرکوب است.

بسیاری حتی پدران و مادران خود را نمی‌شناسند، مفهوم خانواده و فامیل را نمی‌دانند و تصور می‌کنند دنیا از روز اول چنین بوده و باید چنین بماند. آنها می‌پندارند در تقسیم غنایم جهان این سهم ناچیز "به‌حق" به آنها رسیده است و این قانون جهان است. در حالیکه این قانون جهان متمدن نیست، قانون جهان خونخواران امپریالیسم است.

ولی سازمان‌های جهانی برای مبارزه با کار کودکان چه می‌کنند؟ تقریباً هیچ، زیرا این سازمانها نیز به‌ساز امپریالیست‌ها می‌رقصند و برای خانواده‌های فقیر نیز، پند و اندرز این مشاوران که از "عشق مادر و فرزند"، تربیت کودکان، مضرات پابرهنگی، صدمات ناشی از گرسنگی دم می‌زنند، پیشیزی ارزش ندارد. این نشانگر آن است که ما در دو دنیا زندگی می‌کنیم، دنیای وسیع پابرهنگان و ستم‌دیدگان و دنیای ناچیز غارتگران شکم‌باره و راهزن.

یکی از این سازمان‌های بین‌المللی، یکی از دلایل موفقیت خویش را چنین توصیف می‌کند که موفق شده حکومت هندوستان را تحت فشار قرار دهد تا در قرن بیست و یکم در این "بزرگترین دموکراسی جهان"

تحصیل ابتدایی را اجباری کند تا به این ترتیب مانع شود که کودکان به جای رفتن به‌کار اجباری راهی دبستان برای تحصیل اجباری شوند. این تبلیغات مضحک که نشانه شکست برنامه‌های این سازمان‌های مددکار جهانی است، بیشتر موجب خنده و تأثر است تا یک کار موفق و قابل تحسین.

بر اساس آمار خود آنها از ۸ میلیون کودک هندی بعد از تصویب قانون تحصیلات اجباری تنها دو میلیون کودک به دبستان می‌روند و ۶ میلیون کودک به اسارت کار کودکان هنوز گرفتارند. در این آمار فقط بخش دوم آن به حقیقت نزدیکتر است و بخش اول آن که شامل دو میلیون کودک می‌شود تنها بر صفحه کاغذ آمارها قرار دارد. بی‌سوادی و نادانی ابزار استثمار سرمایه‌داران است و این است که به‌هیچوجه حاضر نیستند آنرا از بین ببرند. برای اینکه به نتایج فاجعه‌آمیز کار کودکان در دنیای سرمایه‌داری پی‌ببرید به این نقل قول از روزنامه آلمانی زودویچه تسایتونگ مورخ ۲۰۱۹/۰۶/۱۱ توجه کنید:

"از سال ۱۹۹۶ در آلبانی قانونی در مورد کار کودکان وجود دارد. ولی ماموران دولتی نه وسایل و نه قدرت پیشبرد آنرا در اختیار دارند. کودکان همچنان در کشاورزی، در استخراج فلز کرم و در خیابان به کار مشغولند. در ممالک همسایه کودکان آلبانی توسط باندهای تبهکار به عنوان گدا به کار گرفته می‌شوند."

ولی سال ۱۹۹۶ سالی است که آلبانی سوسیالیستی به تسخیر سرمایه‌های امپریالیستی در آمد. خلق آلبانی قبل از آن یعنی در دوران سوسیالیسم مفهوم کودکان کار را اساساً نمی‌شناخت. مهد کودک، کودکان، دبستان، دبستان و دانشگاه در این کشور رایگان بود. کودکان در بهشت کودکانه خویش پرورش می‌یافتند. کودکان کار، دست‌آورد سوسیالیسم نیستند، محصول سرمایه‌داری هستند. در دوران سوسیالیسم کودکان آلبانی در یونان گدائی نمی‌کردند. این تنها سوسیالیسم است که همانگونه که نشان داده است قادر است با کار کودکان و عظیم رشد علمی در آلبانی بعد از پیروزی بر پادشاهی زوغو نظر افکند.

در نشریه شماره ۱۹ سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان به عنوان "جهان نوین در آلبانی" چنین می‌خوانیم:

"در سال ۱۹۴۶ نخستین انستیتوی آموزش و پرورش بنیادگذاری شد، فقط با ۲۰ دانشجو که دبیران دبیرستان بودند. روز در دبیرستان درس می‌دادند و شب در انستیتو درس می‌خوانند. دوره انستیتو دو سال بود. بدیهی است که تربیت کادر از طریق مذکور کفایت نمی‌کرد و حزب تصمیم گرفت که عده‌ای دانشجو به کشورهای سوسیالیستی آن... ادامه در صفحه ۵

کودکان کار قربانیان...

زمان اعزام شوند. ولی لازم بود که زمینه تدارک کادر در داخل خود کشور فراهم آید. از این جهت در سال ۱۹۵۱ به مناسبت دهمین سال تاسیس حزب کار آلبانی نخستین انستیتوهای عالی افتتاح شد: کشاورزی، فنی، آموزش و پرورش، اقتصاد. یک سال بعد انستیتوی پزشکی بوجود آمد و سپس انستیتوی حقوق. این انستیتوها مقام دانشکده داشتند. تعداد دانشجویان کم بود. کادرهای معلم تحصیلات خود را به‌تازگی در خارج تمام کرده و تازه‌کار بودند ولی شور و شوق آنها نقایص را جبران می‌کرد... در ۱۹۵۷ دانشگاه تیرانا ۱۴۰۰ دانشجو داشت. عده دیگری تقریباً بهمین اندازه در عین حال کار می‌کردند و در شعب مختلف دانشگاه درس می‌خواندند.

امروز دانشگاه تیرانا ۷ دانشکده دارد: مهندسی، علوم طبیعی، تاریخ و زبان، پزشکی، اقتصاد، زمین‌شناسی و معادن، علوم سیاسی و حقوق. علاوه بر این‌ها چند انستیتو در دانشگاه هست: انستیتوی پژوهش در زبان و تاریخ آلبانی، انستیتوی فیزیک اتمی، تعداد دانشجویان ۷۴۰۰. تعداد کسانی که بدون جاد شدن از کار به‌تحصیل در دانشگاه و یا در شعب آن در شهرستان‌ها ادامه می‌دهند ۸۰۰۰ قریب ۹۰، ۹۵ درصد از دانشجویانی که تحصیل در دانشگاه را شروع می‌کنند به‌تمام آن موفق می‌شوند. زیرا که امر آموزش در کشور آلبانی امری خصوصی نیست. هم دانشجو هم استاد و هم دولت آن را امری اجتماعی تلقی می‌کنند. تعداد استادان دانشگاه تیرانا ششصد، تعداد کارمندان علمی آن ۱۴۰ است.

دانشگاه تیرانا از این سیاست پیروی می‌کند که در درجه اول فرزندان زحمتکش‌ها به دانشگاه راه یابند. پذیرش دانشجو در دانشگاه تیرانا فقط بر اساس ملاک تحصیلی نیست بلکه در درجه اول بر اساس ملاک طبقاتی است...»

حال وضعیت آلبانی سوسیالیستی را با آلبانی نیمه مستعمره کنونی مقایسه کنید که به انبار قاچاق مواد مخدر، فاحشه‌گری، تجارت کودکان و خاکروب تفرقه‌های اتمی و غیراتمی اروپا بدل شده است. کار کودکان را تنها می‌توان با سرنگونی سامان سرمایه‌داری و استقرار یک جهان انسانی سوسیالیستی به‌طور کامل نابود کرد.

شکست راهبردی امپریالیسم آمریکا...

شد. وزیر امور خارجه آمریکا به دروغ در تلویزیون سی‌ان‌ان ادعا کرد که "نیکولا مادورو" دیکتاتور ونزوئلا می‌خواست سوار بر هواپیما به سمت کوبا فرار کند که روس‌ها ممانعت کردند. جان بولتن از ارتش می‌خواهد که به حمایت از

"گوآیدو" برخیزد و رژیم مادور را

سرنگون کنند در غیر این صورت با کشتی وی غرق می‌شوند. آلمان به عنوان گماشته آمریکا به صراحت و غیرقانونی با نقض حقوق ملل و حاکمیت ملی ونزوئلا به حمایت از مجرمی بنام "گوآیدو" پرداخت تا پلیس ونزوئلا وی را به جرم عبور غیرمجاز از مرز دستگیر نکند. خبرنگار مزدور کانال ۱ تلویزیون آلمان خانم "سینیا بوتشر" (Xenia Böttcher) در گزارشی ساختگی از کاراکاس پایتخت ونزوئلا از "جنگهای خیابانی" سخن گفت و بدون ترس از گلوله‌هایی که ممکن است به وی بخورد با "گوآیدو" مصاحبه مشروعی کرد. وی در حمایت از کودتاگران به دروغ اعلام کرد که سربازان ونزوئلانی توسط سازمان امنیت کوبا کنترل می‌شوند. فرستنده‌های آمریکایی سی.ان.ان و فوکس نیوز نیز وارد ماجرا شدند و با تبلیغات سیل‌آسا سراسر ونزوئلا را زیر پوشش خبری خود گرفته و از تظاهرات چند هزار نفری مخالفان "مادورو" خبر دادند بدون اینکه تصاویر این تظاهرات موهومی را نشان دهند. رسانه‌های گروهی آمریکا بخشی از جبهه جنگ روانی‌اند. مردم ونزوئلا حتی آنها که منتقد نسبت به رژیم "مادورو" بودند هرگز تجاوز خارجی و دخالت در امور داخلی ونزوئلا را نمی‌پذیرفتند و به مقابله با نوکران آمریکا برخاستند. نه تحریم و نه تهدید به تجاوز موفق نشد اراده خلق ونزوئلا را درهم شکنند. صلیب سرخ جهانی، دول چین و روسیه علیرغم تحریم آمریکا در ممانعت از خرید غذا، ورود کالا و مواد غذایی به ونزوئلا، مصادره ثروت مردم ونزوئلا در آمریکا و بانکهای وابسته به آنها، مواد غذایی به ونزوئلا ارسال کردند و دسیسه آقای ترامپ شکست خورد. شکست ترامپ در ونزوئلا یک شکست راهبردی است زیرا پای نظامیان چین و روسیه را به ونزوئلا باز کرد. آمریکای لاتین به منزله حیاط خلوت امپریالیسم آمریکا دیگر خلوت نیست سائیرین هم در آن حضور دارند و به سادگی بیرون نخواهند رفت. امپریالیسم آمریکا ولی از تجربه ونزوئلا نیاموخته و می‌خواهد بختش را در ایران نیز تجربه کند. در ایران نیز ایرانی‌های خودفروخته‌ای هستند که تحریم و تجاوز به ایران را تأیید کرده و حاضرند در دشمنی با رژیم تبهکار جمهوری اسلامی تا جایی پیش روند که ایران با تمام مردمش به هر قیمت ویران و نابود شود. این خودفروختگان را حتی بعد از ویرانی ایران به تل آویو هم راه نمی‌دهند. شکست راهبردی امپریالیسم آمریکا در منطقه نیز به‌چشم می‌خورد و تهدید و ارعابهایی ترامپ کسی را نمی‌ترساند.

سودان قربانی منافع امپریالیسم...

درگیریهای خانمانبرانداز است و این جنگ که میان مسیحیان با مسیحیان درگرفته است که به کشتار مردم غیرنظامی و کودکان مشغولند، برای اخبار منابع امپریالیستی زیاد مورد علاقه نیست. کسی در جنوب سودان از کشتار و نسل‌کشی صحبت نمی‌کند. سودان جنوبی به علت فقدان زیرساختها، عدم دسترسی به دریا، برای انتقال نفت باید به لوله‌های انتقال نفت از سودان شمالی برای استفاده چشم بدوزد که هم منجر به پرداخت کرایه سنگین می‌گردد و هم ریش و قیچی را به دست سودان شمالی می‌دهد.

از ۱۹ دسامبر سال گذشته، از زمانی که مردم سودان شمالی به علت گرانی، کمبود نان و افزایش بهای سوخت و به طور کلی به علت اوضاع نابسامان معیشتی به کف خیابان آمدند، اولین شعارشان، «الشعب یرید اسقاط النظام» (ملت سقوط نظام را می‌خواهد) بود. «انجمن شاغلان سودان» - یا «شورای هماهنگی اتحادیه‌های صنفی مستقل» - سازماندهی و رهبری جنبش را به عهده داشت. از سوی دیگر حزب «الامه» و حزب «وحدت‌طلبان دموکراتیک» با پیوستن به «انجمن شاغلان سودان» مشترکاً در آغاز ژانویه امسال «بیانیه آزادی و تغییر» را تنظیم و انتشار دادند. این نکته شایان ذکر است که در اعلامیه مذکور جنبش اعتراضی خواهان انتقال قدرت به یک دولت «غیر نظامی موقت» شد که می‌بایست پس از گذشت ۴ سال شرایط را برای انجام انتخابات سراسری در سودان مهیا سازد.

در دوران خیزش و یورش مردمی، زنان سودانی به عنوان پیشگامان آن به شمار می‌آمدند. جنبش اعتراضی در برابر تلاش نظامیان برای کسب مجدد قدرت دست به تحصن در کمپ‌های چادر در مقابل مقر اصلی ارتش زد. تعداد متحصنان به ده‌ها هزار نفر می‌رسید. گرچه نیروهای چهارگانه ارتش، امنیت، اطلاعات و پلیس (اردوی سودان) ماه‌ها با نمایندگان مردم جهت تشکیل یک دولت موقت و تعیین زمان انتخابات مذاکره می‌کردند، به یکباره دست به اسلحه برده و کوشیدند با سرکوب خونین آنها را از صحنه خارج کنند. کمپ چادرنشینان متحصن به آتش کشیده شد و معترضین به گلوله بسته شدند. ارتش و متحدین‌اش عملاً با یک کودتای ناگهانی در برابر جنبش اعتراضی مشی سرکوب را پیش گرفتند و تلاش کردند که شورش مردمی را، که از پایان سال گذشته میلادی آغاز گشته بود، خاموش سازند.

شورشیان، که مسیر خارطوم را مسدود کرده بودند، با سرکوب وحشیانه نیروهای نظامی مواجه شدند. تنها در یک روز ۳۵

نفر از معترضین... ادامه در صفحه ۶

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

سودان قربانی منافع امپریالیسم...

جان باختند. مردم از ترس، یا خود به رود نیل می‌پریدند و یا سربازان آنها را به داخل رودخانه پرتاب می‌کردند. جمعاً ۱۲۵ نفر جان خود را از دست دادند. اما «حقوق بشر دوستان» «جامعه بین‌الملل» عملاً بر گشتار شورشیان توسط کودتاگران چشم بستند. برای مثال آقای «هایکو ماس»، وزیر خارجه آلمان، در این رابطه سکوت مطلق کرد و تنها سخنگوی دولت آلمان به طور صوری «خشونت» را محکوم کرد و از طرفین خواست که «به میز مذاکره بازگردند!» او از مردم سودان می‌خواهد که با حکومت کودتا، که با به آتش کشیدن چادرها مردم را به خاکستر تبدیل می‌کند، به زنان تجاوز می‌کند، مردم را به گلوله می‌بندد و یا به رودخانه پرتاب می‌کند و ... مذاکره کنند!

بلاخره شورای نظامی بعد از ۴ ماه با یک کودتای نظامی «عمرالبشیر» را ساقط کرد و قدرت را قبضه نمود و در عین حال قول داد تا در ۷ ماه آینده انتخاباتی تحت نظارت این شورا برگزار گردد. قصد شوم نظامیان بسیار نخنماست. آنها می‌خواهند هرچه زودتر از طریق یک انتخابات دست‌کاری شده و قلابی مشروعیت خود را به دست آورند. اما در یک سودان آزاد و دموکراتیک بدون تردید دستگاه قضائی ژنرال‌های جنایت‌کار، فاسد، دزد و هم‌دستانشان را در مقابل دادگاه قرار خواهد داد. باید آنها را به خاطر نسل‌کشی و جنایت در سودان در درون سودان و بدون مداخله مودیانه خارجی به محاکمه کشید و محکوم کرد.

انها قول انتخابات آزاد می‌دهند ولی به قطع اینترنت مبادرت می‌ورزند. آنها با نمایندگان معترضان روی همین مباحث به مذاکره می‌نشینند، ولی دستور دستگیری‌های همان نمایندگان را صادر می‌کنند. گرچه «عبدالفتاح بورهان»، رئیس شورای نظامی فعلی سودان، قول داده است که انتخابات تحت نظارت ملی و بین‌المللی باشد، ولی اپوزیسیون کماکان خواهان تأسیس شورای موقت است. آنها معتقدند که ارتش (نیروی ۴ گانه)، کودتا کرده است. کمیته معترضان مردم را به اعتصاب عمومی دعوت می‌کند. در اصل مخالفان کودتاگران خواهان تشکیل یک دولت موقت غیرنظامی‌اند و مایل‌اند که حداکثر طی ۳ سال آینده انتخابات برگزار شود. زیرا پس از حاکمیت سی و چند سال دیکتاتوری «عمرالبشیر»، زمان لازم است تا اولاً احزاب تشکیل شوند و ثانیاً قادر باشند با تحکیم پایه‌های خود و ریشه‌اندن در میان مردم همراه با حضور

مجدداً دریافت کرد و به عنوان وزیر دفاع درصدد تقویت و تجهیز ارتش سودان جهت تجاوز به یمن برآمد. سودان با گرفتن مبالغ گزافی از عربستان سعودی به‌دوستی و نزدیکی‌اش با دولت ایران پایان داد و نظامیان سودانی و کودکان مسلح را برای همکاری با عربستان سعودی به یمن اعزام داشت. لیکن با این سابقه امر گرچه «عمرالبشیر» وابسته به عربستان بود، ولی به دلایل نزدیکی چند ساله با «بشار اسد» و نیز اعلام بی‌طرفی در مسأله نزاع عربستان سعودی با قطر، و بی‌طرفی نسبت به سیاست ترکیه که مخالف عربستان سعودی است، عملاً به مهره «سوخته» تبدیل شد. به همین دلیل گرچه «البشیر» چهار هزار سرباز برای سرکوب حوثی‌ها فرستاده بود، ولی عربستان به آنها به عنوان نیروی مزدور می‌نگریست و نه یک نیروی متحد! عربستان و امارات از آن بیم داشتند که با سقوط «عمرالبشیر» قدرت به دست غیر نظامیان مردمی بیفتد و مسأله شرکت سربازان سودانی در جنگ یمن زیر علامت سوال رود. زیرا که عقب‌نشینی نیروهای سودان از یمن می‌تواند باعث شکست ائتلاف در جنگ علیه مردم یمن گردد. به همین دلیل رئیس شورای نظامی معاون خود را به عربستان و امارات فرستاد، تا اعلام کند که سودان از عربستان در برابر ایران و «انصارالله» یمن حمایت می‌کند و از «کمک‌های نظامی سران سعودی به سودان تشکر و تقدیر کرد»!

«عربستان مایل است که شورای نظامی قدرت را به دست گیرد، زیرا رهبران ریاض از طریق «عبدالفتاح بورهان»، رئیس جدید شورا و «داگاتو»، معاون او در سودان نفوذ دارند. این دو نظامی‌نه تنها از ائتلاف تحت رهبری عربستان در جنگ یمن حمایت می‌کنند، بلکه میان سودان و قطر و امارات مصالحه‌جویی می‌کنند». (بنیاد علم و سیاست - برلین). از اینرو رهبران عربستان سعودی مخالف سرسخت یک ائتلاف مردمی در سودان هستند.

عربستان در عین حال نگران نفوذ اخوان‌المسلمین نزدیک به ترکیه و قطر در سودان است. در این رابطه «ژنرال السیسی»، رئیس جمهور کودتاچی مصر، که خود «مُرسی»، عضو جنبش اخوان‌المسلمین را از تخت ریاست جمهوری به زیر کشید، نیز با سران سعودی هم‌داستان می‌باشد، زیرا وی نیز نگران قدرت‌یابی اخوان‌المسلمین در سودان است. مصر نیز در عین حال دارای منافع ژئوپلیتیک در سودان می‌باشد. زیرا ممکن است که اختلاف بر سر «مثلث حلایت» (منطقه‌ای که با مصر و سودان هم‌مرز است ... ادامه در صفحه ۷



مطبوعات و رسانه جمعی آزاد در جامعه سیاست‌مداران لایقی را عرضه کنند که در ترکیب قدرت سی و چند ساله گذشته حضور نداشته‌اند. به دیگر سخن انقلاب سودان ادامه دارد. خوشبختانه سودان هنوز به سرنوشت لیبی و سوریه دچار نشده است. یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه انقلاب سودان، دخالت‌ها و حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم دول ذبیف‌ع در این کشور است.

زمانی که در آوریل سال جاری نظامیان «عمرالبشیر» را از سریر قدرت به زیر کشیدند، ابتدا ارتشبد «عوض بن عوف» که قبلاً وزیر دفاع «عمرالبشیر» بود، به عنوان رئیس «شورای نظامی انتقالی» منصوب شد و عملاً دولت به دست ارتش افتاد. این «شورا» قبل از هر چیز کابینه را منحل ساخت. اما مردم به سادگی حاضر نبودند زیر بار این جابجائی قدرت بروند و بلافاصله با طرح شعار «دومی هم باید برود» عملاً مخالفت خود را با حکومت نظامیان اعلام کردند. لازم به یادآوری است که همین «بن عوف» یکی از گردانندگان و موافقان شرکت سودان در ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی در تجاوز به یمن بود و به همین دلیل درجه نظامی خود را در حالی که بازنشسته بود،

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند.

سودان قربانی منافع امپریالیسم...

و در عین حال در ساحل نیل قرار دارد) به علت اختلاف مصر و ایتوپیا بر سر رود نیل بالا بگیرد و مصر به یک شریک قابل اعتماد در سودان نیاز پیدا کند. از اینرو مصر نیز برای نفوذ میان حکومت سرهنگان در سودان در تکاپوست. در این میان اسرائیل نیز در پی آن است که در سودان جنوبی نفوذ پیدا کرده و در سرچشمه رود نیل این شاه‌رگ حیاتی که سودان و مصر را آبیاری می‌کند در زمان لازم اخلاص کند. علاوه بر اینها تنگه «باب‌المنذب» (به فارسی تنگه اشک‌ها) که در جنوب دریای سرخ واقع شده است و آنرا از یکسو ابتدا به خلیج عدن و سپس دریای عرب و اقیانوس هند وصل می‌کند، از سوی دیگر این امر را ممکن می‌گرداند که کشتی‌هایی که از اقیانوس هند می‌آیند پس از گذر از این تنگه به دریای سرخ و از آنجا از طریق کانال سوئز به مدیترانه راه یابند. به این جهت این تنگه دارای نقش راهبردی بسیار مهمی برای امپریالیست‌ها و کشورهای منطقه به ویژه عربستان و امارات است. بی‌جهت نیست که چین در جیبوتی و آمریکا در عربستان، قطر، امارات و آبهای منطقه پایگاه‌های زمینی و دریایی مستقر کرده‌اند. زیرا که باب‌المنذب میان یمن در شبه جزیره عربستان و جیبوتی و اریتره در شاخ آفریقا قرار دارد. همین موقعیت راهبردی کشور یمن است (منهای مخازن نفتی که زیر زمین این کشور حذب زده می‌شود) که عربستان و ائتلافش را به نیابت از جانب آمریکا در این کشور به جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی واداشته است. در این نسل‌کشی صدائی از دادگاه کیفری لاهه شنیده نمی‌شود زیرا کشتن نسل‌ها بر اساس مصالح آنها مجاز است. برای مثال در سال ۲۰۰۶ روزانه ۳،۲ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور کرده است. سودان نیز که در ساحل دریای سرخ قرار گرفته است، از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی برخوردار است. از آنجا که ارتجاع و امپریالیسم، اهداف و نیات پلید خود را با یک حکومت دیکتاتوری نظامی

بهتر به پیش می‌برند، هر یک به نوبه خود می‌کوشند که در حکومت سرهنگ‌ها در سودان نفوذ کرده و از آنها در راستای مقاصد خویش حداکثر استفاده را ببرند. به همین دلیل این نیروهای اهریمنی مخالف گسترش انقلاب و روی‌کار آمدن احتمالی یک دولت مردمی و دموکراتیک در این کشور هستند و باز به همین دلیل در مقابل جنایات حکومت سرهنگ‌ها در سودان سکوت اختیار کرده‌اند.

سازمان‌های حقوق بشر از اتحادیه اروپا بارها انتقاد کرده‌اند که این اتحادیه به هیچ‌وجه خواهان برقراری یک حکومت دموکراتیک در سودان نیست، بلکه برعکس مشغول معامله و بستن معاهده با شیطان است. این سازمان‌ها اروپا را متهم می‌سازند که برای بستن مسیر به روی پناهندگان و جلوگیری از هجوم آنان به اروپا با حکومت سرهنگ‌ها عهد مودت بسته‌اند و عملاً پشتیبانی برای مردم تحت ستم دیکتاتوری نظامی ارزش قائل نیستند. به همین منظور حتی اروپا طی سال‌های گذشته میلیون‌ها یورو به «عمرالبشیر»، دیکتاتور کمک مالی کرد. به این ترتیب حکومت منفور سودان، که به نسل‌کشی و سرکوب و فساد متهم بود، به یک شریک محترم در امر جلوگیری از هجوم پناهندگان به اروپا تبدیل شد و این روند از بعد از روی کار آمدن حکومت جدید نیز ادامه دارد. از جانب دیگر ترکیه با «عمرالبشیر» قرارداد تأسیس پایگاه نظامی بسته بود، که به هیچ‌وجه مورد خوشایند عربستان، امارات و مصر نبود. جزیره «سواکن» بعد از سومالی برای ترکیه اهمیت راهبردی دارد. و در گذشته نیز قسمتی از امپراتوری عثمانی بود، لذا اردوغان سعی دارد از این طریق در دریای سرخ نقش بیشتر و موثرتری ایفاء کند. این امر بدون تردید منافع عربستان، امارات و مصر را تهدید می‌کند. به ویژه اینکه ترکیه هم در لیبی و هم در قبرس حضور فعال دارد.

کوتاه سخن اینکه امپریالیسم و ارتجاع جهانی در رقابت با یکدیگر در منطقه

خاورمیانه و شاخ آفریقا «هر یک از ظن خود یار» سودان گشته‌اند! بحرانی که در سودان به‌وجود آمده است را تنها می‌توان با درک تضادهای منطقه‌ای روشن کرد و منافع مردم را از منافع ارتجاع و امپریالیسم تفکیک نمود. بحران سودان نشان می‌دهد که امپریالیست‌ها تا به چه حد در ایجاد تزلزل در کشورها، تلاشی و چپاول آنها فعالند. ایجاد تفرقه و تسلط بر برجم امپریالیسم نوشته شده است.

به توفان در تلگرام یاری به سیل‌زدگان ادامه دارد سپاسگزاریم

سیل‌زدگان مجدداً در طی تماسی از مقدار کمک‌های مالی ارسالی و سرعت در جمع‌آوری برای تامین نیاز هایشان سپاسگزار می‌کردند و ما خود را موظف می‌دانیم که این ابراز امتنان را به یاری‌دهندگان آنها منتقل کنیم. ارسال کمک‌ها از طریق بنیاد مهپاره.

۲۴۰ یورو

۵۰ یورو

۱۰۰ یورو

۱۰۰ یورو

۶۰ یورو

۲۰۰ یورو در مجموع در ماه گذشته به حساب حزب

به توفان در تلگرام خوش آمدید



نه به تحریم، نه به جنگ و نه به تجاوز و مداخله در امور داخلی کشورها. تعیین سرنوشت هر خلقی تنها به دست خودش میسر است

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۵۷ مرداد ماه ۱۳۹۸ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbakar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
 سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک
 توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

فساد، رشوه‌خواری و سرکوب، تنها به نفع امپریالیسم و صهیونیسم تمام می‌شود

سودان قربانی منافع امپریالیسم و ارتجاع

از سال‌های پایانی قرن ۱۹، انگلستان جهت سلطه بر سودان، به ویژه منطقه نفت‌خیز جنوب این کشور، خیز برداشت و به آنجا لشکر کشید و عملاً این کشور را تا سال ۱۹۵۶ تحت استعمار خود داشت. تا اینکه سودان استقلال خود را در آن سال بازیافت، اما تخم نفاق‌پاشی کشورهای امپریالیستی میان سودان شمالی (مسلمان‌نشین) و سودان جنوبی (حدود نیمی مسیحی‌نشین) باعث درگیری‌های خونین میان آنان گشت، که قریب به ۳۵ سال به طول انجامید و بیش از ۲ میلیون گشته و ۴ میلیون آواره به جای گذارد. تا بالاخره پس از یک همه‌پرسی در سال ۲۰۱۱ سودان جنوبی به عنوان یک کشور جدید آفریقائی از سودان شمالی با برنامه امپریالیستها جدا شد و به مثابه صد و پنجاه و چهارمین کشور آفریقائی به رسمیت شناخته شد. هم ایالات متحده آمریکا، هم اروپا هر یک با طمع و اهداف خویش با این تجزیه توافق داشتند و در آن نقش ایفاء کردند، زیرا بوی نفت سودان جنوبی هوش از سرشان ربوده بود! آنها از روی کارآمدن یک دیکتاتوری عملاً نظامی در جنوب حمایت کردند. سودان قبل از جدائی جنوب یکی از بزرگترین کشورهای آفریقائی به شمار می‌آمد. از زمان استقلال به بعد تغییر حکومت فقط از راه کودتا میسر گشته است.

«عمرالبشیر» در سودان شمالی هم در سال ۱۹۸۹ با یک کودتای نظامی علیه دولت ائتلافی و اسلامی «الصادق المهدي» و رئیس «حزب الامه» قدرت را به دست گرفت. از طرفی دو گروه شورشی مسلح، یکی «جنبش آزادی‌بخش سودان» SLM و دیگری «جنبش عدالت و برابری» JEM از سال ۲۰۰۳ مبارزه علیه «عمرالبشیر» را، که به سرکوب مردم غیر عرب مبادرت ورزیده بود، آغاز کردند. از آنجا که حکومت البشیر مطابق میل امپریالیسم غرب نبود، از سال ۲۰۰۵ نیز شورشیان اقلیت غیر عرب دارفو، در منطقه دارفو در غرب سودان، با تحریک آنها علیه حکومت مرکزی سر به شورش برداشتند. در بدو امر تجزیه سودان از طریق منطقه دارفو یکی از برنامه‌های امپریالیسم غرب بود که در برابر مقاومت دولت چین در سودان با شکست روبرو شد. از همین جهت وجدانهای امپریالیستی به‌مرد آمد و با حکم دادگاه کیفری غیر عادلانه لاهه، پرونده جنایت علیه بشریت را برای البشیر تنظیم کردند تا راه تجاوز به سودان را بگشایند.

در عین حال جنگ در کوه‌های «نوبه» که از آن به مثابه «جنگ فراموش شده سودان» یاد می‌کنند، با تجزیه سودان شمالی و جنوبی آغاز گشت. این جنگها از زمان استقلال سودان با دخالت امپریالیسم انگلستان آغاز شد. بهانه تبلیغاتی امپریالیستی همان بهانه جنگ مذاهب بود. این بار نه جنگ میان مسلمانان، بلکه جنگ میان مسلمانان برضد مسیحیان یعنی برخورد فرهنگها طرح می‌شد. ولی واقعیت این است که تنها نیمی از مردم آفریقائی جنوب سودان مسیحی هستند و نیم دیگر مخلوطی از مسلمانان و مذاهب بدوی می‌باشند. این منطقه نفت‌خیز با یاری امپریالیسم انگلستان در دست شورشیان «مسیحی» قرار داشت. آنها خواهان داشتن خودمختاری و تجزیه سودان نفت خیز بودند. اما «عمرالبشیر»، دیکتاتور با پس‌گرفتن این منطقه بارها اقدام به بمباران غیرنظامیان، کودکان و زنان، بیمارستان‌ها و مدارس کرده و به خواستهای مردم جنوب توجه‌ای نکرد. این امر مورد اعتراض سازمان‌های حقوق بشر قرار گرفت. ولی این سازمانهای حقوق بشر دست در دست امپریالیستها، در تلاش تجزیه سودان بودند و بر کشتار مسلمانان که آنها نیز بشرند، جایی که منافع آنها ایجاب می‌کرد، چشم می‌پوشاندند.

سودان شمالی با ۴۳ میلیون جمعیت در بحران اقتصادی عمیقی، به ویژه از بعد از ۲۰۱۱ با از دست‌دادن نفت جنوب، که منجر به کاهش سه‌چهارم منابع نفتی‌اش گشته است، گرفتار آمده است. ولی سودان جنوبی نیز که گرفتار ... ادامه در صفحه ۵

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 233 Juli 2019

شکست راهبردی امپریالیسم آمریکا در ونزوئلا

اگر دیگر در مورد دلک خودفروخته‌ای به‌نام "گوایدو" (Guaido) چیزی نمی‌شنوید، اگر در اخبار "بی‌طرفانه و دموکراتیک" ماشین تبلیغاتی دروغ‌پردازی غرب چیزی نمی‌بینید، مطمئن باشید که دسیسه امپریالیسم غرب برای دخالت در امور داخلی ونزوئلا و تغییر رژیم در آنجا در اثر مقاومت مردم با شکست مفتضحانه روبرو شده است. وضع به‌قدری رقت‌انگیز است که حتی با فتوشاپ و دستکاری تصاویر و صحنه‌های ساختگی قادر نیستند نمایشی کم و بیش عوام‌فریبانه تهیه کنند. کودتای ساختگی و نظامی ۳۰ آوریل ۲۰۱۹ با تصاویری از چند سرباز فریب‌خورده و چند عدد افراد مزدور ملبس به لباس سربازی در مقابل سربازخانه و نه در داخل آن، همراه با تصاویر تلفنهای دستی با زاویه‌های غلط انداز و پخش آن توسط سازمان سیا بر روی آنتن‌ها با شکست مفتضحانه روبرو ... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس مکاتبات
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند